

نشست محافظه کاران آمریکایی صحنه انتقاد علیه رئیس‌جمهور سابق آمریکا

جمهوری خواهان شاخص رودرروی ترامپ



با تمامی این اوصاف، آسوشیتدپرس نوشت واکنش افراد حاضر در محل سخنرانی او متفاوت بود و درحالی‌که غالب شرکت‌کنندگان نیککی هیلی را به دلیل سخنانی که بر زبان می‌آورد تشویق می‌کردند، گروهی از حامیان ترامپ نیز در لابه‌لای سخنان او یک‌صدا نام ترامپ را فریاد می‌زدند.
باین‌حال، سفیر سابق ایالات متحده در سازمان ملل متحد بخشی از سخنان خود را به انتقاد از جناح چپ حزب دموکرات اختصاص داد و در این زمینه گفت: «سوسیال‌دموکرات‌ها نمی‌خواهند پول ما را خرج کنند، بلکه می‌خواهند آزادی‌مان را بگیرند». او برخی برنامه‌های زیست‌محیطی سوسیال‌دموکرات‌ها، مثل ایجاد محدودیت در استفاده از اوتومبیل‌های بنزینی را برنامه‌هایی دانست که نیتشان سلب آزادی آمریکایی‌هاست.

رقابت هندی تبارها

در میان سه نامزد جمهوری خواه که تاکنون برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا اعلام آمادگی کرده‌اند، دو هندی-آمریکایی دیده می‌شود. درحالی‌که نیککی هیلی نامزد نام‌آشنایی میان آنهاست، نام «ویوک راماسوامی» بسیار کمتر شنیده شده است. ساویتا پاتل، روزنامه‌نگار مستقر در کالیفرنیا نیز ممکن است شانس خود در این رقابت امتحان کند.

راماسوامی، یک کارآفرین میلیاردر و نویسنده کتاب «بیداری»، در برنامه‌ای از شبکه فاکس نیوز در ۲۱ فوریه اعلام کرد «می‌خواهد تغییرات فرهنگی متفاوتی را برای ایجاد آمریکایی جدید و بر اساس دستیابی به تعالی راه‌اندازی کند.» او اضافه کرد: «درصورتی‌که هیچ فرهنگی برای همستگی مردم وجود نداشته باشد، تنوع فرهنگی نیز بی‌معناست». راماسوامی ۳۷ساله که در اوهایو متولد شده، در دانشگاه هاروارد و ییل تحصیل کرده است. او سرمایه میلیاردی خود را از طریق کارآفرینی در زمینه «زیست‌فناوری» به دست آورد و سپس یک شرکت مدیریت دارایی را تأسیس کرد.

او با اشاره به اینکه آسیب‌های «نژادپرستی» و «تغییرات اقلیمی» را می‌توان در تجارت و همچنین سیاست کشور دید، تنفر خود را در این زمینه بیان کرده است.

ادامه از صفحه اول

کارکرد و کار ویژه پست معاون‌اولی

البته مدیریت در جمهوری اسلامی نگرانی‌های ویژه خود را دارد. برخی مدیران می‌تسند که از زیردستان خود جدا بمانند و جایگزین قدرتمندی برای خود بتراشند؛ چون دراین‌صورت ممکن است خود به‌راحتی کنار گذاشته شوند.

۳- در میان مدیران دامنه‌ای گسترده و گوناگون وجود دارد. از مدیران خودشیفته که منابع و ثروت‌های بی‌حساب و کتابی در اختیارشان است تا مدیران سیاسی، حرفه‌ای علمی و سنتی. «نحوه» به قدرت رسیدن معاون اول نقش مهمی در نحوه مدیریت او دارد. جمله قبلی را دوباره بخوانید. دکتر عارف وجهه‌ای کمتر سیاسی و بیشتر مدیریتی داشت و البته هنوز قدر مدیریت آرام، استوار و قدرتمند او دیده نشده؛ چون از او بیشتر انتظارات سیاسی داشتند و او هم البته به هر دلیل این‌انتظارات را برآورده نکرد. توان جمع‌بندی او در جلسات مثال‌زدنی است و این کار مهمی است که از یک مدیر ارشد انتظار می‌رود. دکتر جهانگیری در میانه سیاست و اداره بود و بیشتر از تجربیات خود استفاده می‌کرد. معاون اول دولت سیزدهم دستگاه اداری رسمی را تجربه نکرده و به‌همین‌دلیل چالش‌های ویژه‌ای در پیش‌رو داشته است. نحوه مدیریت

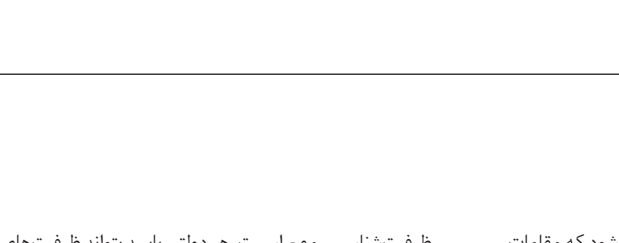


او همچنین با قوانینی که به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا تأثیرات اجتماعی و محیط‌زیستی خود را وارونه جلوه دهند، مخالف است. او مخالف تخصیص سهمیه در دانشگاه‌های آمریکاست و در نظر دارد وابستگی اقتصادی ایالات متحده را به چین کاهش دهد.

دیدگاه‌های این‌چهره کمترشناخته‌شده، با بعضی از جمهوری‌خواهان همسو است. برای مثال، ویکرام منشارامانی که در انتخابات میان‌دوره‌ای ۲۰۲۲ از نیهومیشایر برای مجلس سنا نامزد شده بود، نظرات راماسوامی را «بسیار تأثیرگذار، گویا و متفکر» توصیف می‌کند: «دیدگاه‌های او برای یکپارچگی، به‌جای ایجاد فاصله در جامعه آمریکا مطابقت دارد». منشارامانی نیز که اخیرا با ویوک راماسوامی در جریان سفرش به این ایالت دیدار کرده بود، هندی‌تبار است. این چهره جمهوری‌خواه با اشاره به اینکه به‌تاژگی میزان نیککی هیلی نیز بوده است، می‌گوید: «سیاست‌های هویتی در ایالات متحده ریشه دوانده است و به‌جای اینکه ایجاد وحدت کند، باعث تفرقه‌افکنی شده است». در آن سو، اما هندی‌تبارهایی نیز هستند که با سیاست‌های راماسوامی مخالف‌اند و تصور می‌کنند که تفکرات انتخاباتی او عمق ندارد. شکر نراسیمهان، دموکرات و بنیان‌گذار و رئیس «ای‌پی‌ای‌آی» نیز با اشاره به اینکه «از مطرح‌شدن نام آسیایی-آمریکایی‌ها در سیاست خوشحال است»، گفته که «باین‌حال نسبت به ایده‌های راماسوامی مردد است.»

نراسیمهان از عنوان «کوینشوتیک» از کمپین انتخاباتی راماسوامی یاد می‌کند و می‌گوید: «ویوک راماسوامی تصور می‌کند در این رقابت حرفی برای گفتن دارد که برای مخاطبانش جذاب باشد». اما در عین حال این پرسش را مطرح می‌کند: «آیا هم‌وطنان هندی-آمریکایی‌اش میراث او را برای آینده خود باورپذیر می‌دانند؟».

بسیاری از رأی‌دهندگان جمهوری‌خواه می‌گویند تا قبل از ورود راماسوامی به این رقابت‌ها، چیزی درباره او شنیده بودند.



واهی است. متأسفانه آن‌گونه جلوه داده می‌شود که مقامات

برای بررسی فلان مشکل «به صورت سرزده و دوربینی» در کف خیابان حاضر شده‌اند. اگر این امر برای فریب افکار عمومی باشد، تحمل‌پذیرتر است!!! تا اینکه واقعا و از سر ساده‌لوحی و ناشی از یک رفتار مدیریتی برای بررسی و حل مشکلات باشد. گاهی به طرز عجیبی به نظر می‌آید که گزینه اخیر درست است.
۶- برخی رؤسای جمهور نیاز بیشتری به یک معاون اول قوی با ویژگی‌هایی که در بالا گفته شد، دارند. با فرض وجود شایستگی‌های لازم برای معاون اول، او‌خود باید اختیارات ویژه‌ای داشته باشد و کسی برای او مدیر تعیین نکند. در این دولت، به نظر می‌آید کسان و نهادهایی که وزیر و معاون وزیر و مدیر تعیین می‌کنند، بسیارند.

۷- به این عبارت عجیب‌وغریب توجه کنید: «داشبوردهای

مدیریتی گذار از پالیسی آتالیسیس به پالیسی آتالیبتک را فراهم کرده است. پالیسی انفورماتیک و پالیسی مدلینگ ابزارهای اساسی در عصر دولت به‌مثابه پلتفرم است!!!». این عبارت که بس عجیب‌وغریب می‌نماید، واجد ظرفیت‌های مدیریتی، اجرایی، زیرساختی و فناوری در بخش خصوصی و دولتی در ایران است.

برگ سبز خودرو سمند سورن EF7
رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۱
به شماره پلاک ایران ۷۸ - ۴۵۴ و ۵۱ و شماره موتور 172B0022343
و شماره شاسی NAAP13FE9HJ132737
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو پژو 405GLX-XU7
رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۵
به شماره پلاک ایران ۳۳ - ۶۷۲ ص ۱۶ و شماره موتور 124K0803 147
و شماره شاسی NAAM01CE5GK405275
به نام سعید محمودی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی خودرو پژو 206TU5
رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۶
به شماره پلاک ایران ۷۸ - ۴۵۴ و ۵۱ و شماره موتور 172B0022343
و شماره شاسی NAAP13FE9HJ132737
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی موتور سیکلت انژکتوری باسل
رنگ سبز مدل ۱۴۰۰
به شماره پلاک ایران ۱۴۴ - ۸۴۸۶۴ و شماره موتور 0124N42001323
و شماره تنه N42SC14NDM1C00475
به نام علیرضا فلاح مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

ادامه از صفحه اول

اقتصاد ملی پارتی ندارد

یکی در کوهستان‌های غرب کشور کولبری می‌کند و آن دیگری در متروی تهران دست‌فروشی می‌کند و سومی در کلان‌شهری دیگر مشغول مسافرنکشی است. در مقابل نورچشمی‌ها با رتبه‌های تحصیلی بسیار پایین‌تر در بهترین و «مرغوب‌ترین» سمت‌ها مستقر شده‌اند. این سؤال که چرا یک جوان فرهیخته با کمالات مثال‌زدنی و شایستگی چشمگیر نمی‌تواند توجه مسئولان و مدیران دستگاه‌های دولتی را جلب کرده و موقعیت شغلی متناسب با استعدادش کسب کند، جواب ساده‌ای دارد: او فاقد پارتی است! درحالی‌که جوان‌های نورچشمی از این نظر کم و کسری ندارند. آقای شریعتمداری اگر با این نظر موافقت ندارد، فقط کافی است یکی از دوستان و هم‌فکران منتقد خود را مثال بزند که فرزند جانش بی‌کار و خانه‌نشین بوده و مثل فرزندان دانش‌آموخته برخی شهروندان درجه دو به‌اصطلاح آینه دق والدین خود شده است. از نظر نگارنده شرایط امروز کشورمان قابل قیاس با شرایط همان جوان نخبه‌ای است که در عین شایستگی ناگزیر درگیر فعالیت‌هایی در سطح کولبری شده است. کشوری که با وجود ثروت سرشار و دستیابی به رتبه بالا در برخی شاخه‌های حساس علوم، گرفتار دشواری اقتصادی است و فعالان اقتصادی کشور به‌ناچار محصولات ارزشمند داخلی را به کشورهای همسایه می‌برند تا با استفاده از عنوان آن کشور موفق به صدور و فروش محصول در بازار جهانی شوند. به بیان دقیق‌تر اقتصاد ملی نیز مانند آن جوان مظلوم پارتی ندارد!

البته منظور از پارتی در اینجا قدرت‌های بزرگ جهانی خواه غرب و خواه شرق نیستند. منظور قوانین و مقررات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی است که می‌توانند با اقتدار تمام نقش حمایت از اقتصاد ایران را در بازار جهانی ایفا کنند. به‌عنوان نمونه همراهی کشورمان با FATF در تعامل سازنده با شبکه بانکی ایران را با جهان خارج تسهیل کند و باری بزرگ از دوش صادرکنندگان بردارد. اما اتفاقا نگاه منفی هم‌فکران آقای شریعتمداری کشورمان را از حمایت این پارتی قدرتمند محروم کرده است.

آقای شریعتمداری به‌درستی می‌گوید ایران دومین کشور تولیدکننده درجه قلب و دومین کشور در درمان تالاسمی با شیوه پیوند مغز استخوان است. اما باید بدانیم که کسب درآمد از طریق این‌گونه دانش‌های ارزشمند و کم‌نظیر نیازمند اصلاح مسیر تعامل با جهان خارج است و بدون این اقدام اصلاحی، ما نیز مانند آن جوان فرهیخته و نخبه بی‌کار باید با گروه کولبران اقتصاد جهانی همراه شویم، هرچند که با کمال تأسف این گروه فعلا عضوی غیر از ما ندارد. به‌طوری‌که جامعه سازنده با جهان و استفاده از «پارتی قوانین و مقررات بین‌المللی»، ده‌ها مورد از چنین دارایی‌های ارزشمند و فخرآفرین قدرت ایجاد درآمدی ناچیز را برای ایران امروز ندارند. همان‌گونه که جوان نخبه داستان ما هم در نبود پارتی، باید مدارک تحصیلی ارزشمند خود را از دیوار اتاقش برداشته و در پستو پنهان کند تا هر روز با دیدن آنها داغ دلش تازه نشود. به‌طوری‌که جملحظه می‌شود، آقای شریعتمداری با بیان جایگاه رفیع ایران در علم و فن امروز و اقرار به وجود دشواری‌ها در مهار نرخ ارز، ناخواسته متعرض واقعیتی شده که بیشتر خود ایشان و هم‌فکرانشان را زیر سؤال می‌برد که چرا با هدایت قطار سیاست خارجی کشور در مسیر تندروی، امکان استفاده اقتصادمان را از پارتی قوانین و مقررات بین‌المللی گرفته و آن را به «کولبر اقتصاد جهانی» بدل کرده‌اند؟ چرا با اصرار به انتخاب گزینه‌هایی چون «بستن تنگه هرمز» و «انتقال بسته‌های اسکناس با قایق موتوری» همواره تلاش دارند انزوای خود‌خواسته ایران را پیرنگ‌تر و مخاطره‌آفرین‌تر کنند؟ چرا فرصت برخورداری از آثار برجام را به کشورمان ندادند تا مردم نفس راحتی از دست تورم دورقمی بکشند؟ تورمی که در آن ایام تدرقمی شد و با کمک هم‌فکران تندروی ایشان و «هل‌دادن» کشور در مسیر تندروی دوباره به سطح دورقمی بازگشت. بقیه مطلب را به زمانی موکول می‌کنم که حامیان فکری تدروان دلایل خود را برای رد اتهام مشارکت در جرم «کولبرکردن اقتصاد ایران» مطرح کنند.

حملات به مدارس و پیامدهای آن

۳- حملات سازمان‌یافته به مدارس جدای از ابعاد فوق، موجب بروز ناراحتی عمومی شده است. این‌پدیده به بروز واکنش‌های روانی و استرس در میان خردسالان، نوجوانان، مادران، معلمان و کادر آموزشی مدارس هم منجر شده است. پیامد این وضعیت در کوتاه‌مدت التیامی نخواهد داشت و نیازمند اقدامات بعدی مشاوره‌ای و روان‌درمانگری است. ابعاد وسیع و ملی آن نیز بیانگر پیامد گسترده موضوع است. رسانه‌های پرریننده نیز دراین‌باره با تولید برنامه‌های علمی و مشاوره‌ای می‌توانستند نقش اثربخشی ایفا کنند که متأسفانه تاکنون چنین نبوده است.

۴- حملات به مدارس به‌ویژه برخی پیامدهای آن مانند اعتراض والدین در کنار مدارس موجب شده تا حاشیه‌هایی روی دهد، مانند آنچه در ماجرای مدرسه ۱۳ آبان بروز کرد. این دست از پدیده‌ها نیز پیامدهای ویرانگری در پی دارد. آیا مسئولان امر به ابعاد این پیامدها اندیشیده‌اند؟ برخورد فوری و شفاف با تجاوزکنندگان به حقوق شهروندان و اطلاع‌رسانی مستمر به شهروندان درباره نتیجه بازداشت و بازجویی و برخورد قضائی با این دست از خطایان نظم ضروری است. تنها انتشار اطلاعیه پلیس مبنی بر اینکه این قانون‌شکنان مأمور نبوده‌اند، اگرچه اقدام مثبتی بود، اما کافی نیست. باید به افق‌افکار عمومی هم اندیشید تا به بار بی‌اعتمادی‌ها بیش از این افزوده نشود.

آیا وزارت آموزش‌وپرورش با استفاده از ظرفیت مراکز پژوهشی آن وزارتخانه و نیز ظرفیت دیگر مراکز مطالعاتی کشور درباره ابعاد و پیامدهای این وضعیت و نیز نظرسنجی‌های ملی برای سنجش افکار عمومی و اینکه افکار عمومی درباره این پدیده چه می‌گوید، اقدامی کرده است؟ آیا این دستگاه متولی آموزش‌وپرورش درباره آسیب‌شناسی این رویداد و پیامدهای آن تأملی داشته است؟ آیا وزارت آموزش‌وپرورش درباره موضوع با افکار عمومی به خوبی و روشنی و شفافیت تمام سخن گفته است؟ ابعاد موضوع را شکافته است؟ از مسئولان امر خواسته با موضوع به این مهمی را جدی‌تر مورد توجه قرار دهند و با محکومیت چنین اقداماتی نسبت به برنامه‌ریزی برای زدودن آثار منفی و روانی این پدیده اقدام کنند؟ آیا با معلمان ارجمند کشور سخنی گفته شد؟